

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

جلال نادری

۳۰ سپتمبر ۲۰۱۶

اعتراضات کارگران پلی اکريل و درس هائی که از تجارب دیگر کارگران باید آموخت

حدود ششصد کارگر به نمایندگی از دو هزار کارگری که بین پنج تا شش ماهه حقوق نگرفته اند در برابر استانداری اصفهان در اعتراض به ندادن دستمزدها و وضعیت اسفناک پلی اکريل تجمع کردند. این روزها شرکت پلی اکريل که با اشتغال مستقیم حدود دو هزار کارگر و اشتغال غیر مستقیم حدود ده هزار نفر نزدیک به چهل سال قطب صنعت ساخت الیاف نساجی ایران بوده رو به احتضار می رود. در دو سال اخیر کارگران بارها به خاطر دستمزدهای معوقه، حراج دارائی های کارخانه، و کاهش ظرفیت تولید اعتراض کرده اند، ولی هر بار که اعتراضات بالا گرفت؛ سهامداران اصلی مدیریت کارخانه را عوض کردند و مدیریت جدید هم با یک مشت وعده های توخالی چند ماهی کارگران را سرگرم کرد. با اعتراض دوباره کارگران، مجدداً هیأت مدیره جدید انتخاب کردند و همین بازی و وعده های بی سرانجام را از سر گرفتند. همه نهادهای مسؤول، چه در شهرستان مبارکه، چه استانداری اصفهان و چه مقامات وزارت صنعت و معدن دقیقاً در جریان مشکلات کارگران کارخانه پلی اکريل هستند، ولی در دو سال اخیر اقدام مؤثری برای احیای تولید و پرداخت دستمزدهای معوقه کارگران کارخانه صورت نداده اند. کارگران امیدي به این که هیأت مدیره موقت جدیدی هم که بعد از اعتراض دوشنبه گذشته شان در برابر استانداری، ظاهراً دوباره فعال شده، ندارند.

کارگران پلی اکريل از زمان اعتراضات گسترده شان به طرح قطعه قطعه کردن کارخانه که با برخوردهای امنیتی و دستگیری تعدادی از معترضان و آزادی بعدی آنها همراه بود، هر راه و روشی را که برای حفظ اشتغال شان لازم بوده انجام دادند. کارگران به وعده های مسؤولین باور کردند، و دستمزدهای معوقه رو تحمل کردند، بعد که دیدند بی نتیجه است اعتراض کردند. چند بار نامه جمعی خطاب به استانداری نوشتند، بارها تجمع کردند ولی هیچ نتیجه ای نگرفتند. سهامداران اصلی پلی اکريل نشان دادند که فقط به سود خودشان فکر می کنند و تنها چیزی که برایشان اهمیت ندارد وضعیت معیشت کارگران است. کارگران پلی اکريل در نامه های اعتراضی شان به مقامات، بر تغییر مداوم مدیریت کارخانه و خصوصی سازی پلی اکريل در سال ۱۳۸۳ بدون در نظر گرفتن شرایط و موقعیت به عنوان دو مشکل اساسی که زمینه های نابودی پلی اکريل را فراهم کرد، تأکید کردند. از این دو مورد، روشن است که مدیریت کارا و اثبات می تواند نتیجه واگذاری دوباره کارخانه به بخش دولتی باشد. ولی حتی اگر خواست مداخله دولت برای نجات اشتغال کارگران و جلوگیری از فروپاشی خانواده های کارگری، در این دوران سخت رکود و تورم، از زمینه قوی در

میان کارگران برخوردار باشد، باز هم با توجه به سیاست های دولت که بیشتر دنبال رواج دلالی، ارزان تر کردن ارزش نیروی کار و گسترش خصوصی سازی ها هست، به سادگی عملی نمی شود. این که کارگران در برابر استناداری اعتراض می کنند و به استنادار نامه می نویسند و در نامه شان هم خصوصی سازی را یک عامل بدبختی می دانند، خود البته نشان دهنده این است که کارگران دولت را مسؤول رسیدگی به شرایط کارخانه شان می دانند. ولی اولین و شاید مهم ترین شرط وادار کردن دولت به رسیدگی واقعی به وضع کارگران این است که تقسیمات مربوط به شرایط و قراردادهای کار مانع حضور همه کارگران و خانواده هایشان در اعتراضات نشود. مقاماتی که باید در مورد وضعیت پلی اکریل تصمیم بگیرند به هزینه های تصمیمات شان اهمیت می دهند. تجربه کارگران واحدهای دیگر نشان می دهد اعتراضاتی که در آن کارگران همراه با خانواده هایشان حاضر نمی شوند، یا فقط تعداد محدودی که قراردادهای بهتری دارند شرکت می کنند، به عنوان اعتراضاتی که اهمیت ندارد تلقی می شود. تجربه واقعی اعتراضات یک سال اخیر کارگران پلی اکریل نشان می دهد، که وعده های مقامات هیچ نتیجه ای به سود کارگران نداشته است. کارخانه پلی اکریل در شرایطی است که دیگر اعتراض کارگران به شکل نمایندگی و با تعداد کم جواب نمی دهد. الان حضور هر چه گسترده تر کارگران و خانواده هایشان در اعتراضات هست که می تواند تأثیرگذار باشد.

نکته دیگر این است که وادار کردن دولت به قبول مسؤلیت و نجات کارگران از ورطه بیکاری، موضوعی نیست که یک روزه و دو روزه یا با اعتراضات منفصل بخواهد جواب بدهد. دو تجربه از اعتراضات کارگری اخیر هست که یکی آنها مربوط به ایران ترانسفو می شود؛ بعدی اش کارخانه چوپ چوکا. هر دو تجربه واقعاً مهم اند. کارگران ایران ترانسفو نهاد مستقل خبررسانی خودشان را در شبکه های اجتماعی ایجاد کردند و از مردم و کسبه محل هم خواستند از اعتراض کارگران حمایت کنند. البته این نهاد اطلاع رسانی را بعداً نیروهای امنیتی مصادره کردند و اخبار غلط و گمراه کننده پخش کردند. بنابراین نهاد اطلاع رسانی در شبکه های اجتماعی بهتر است طوری ایجاد بشود که امکان مصادره اش از طرف نیروهای امنیتی نباشد. کارگران چوکا هم تا رسیدن به مقصود دست به اعتراض روزانه زدند. هر دو مورد تأثیرگذار بوده است.

البته این کارگران پلی اکریل هستند که با توجه به شرایط و موقعیت شان اقدام می کنند. پلی اکریل از جمله واحدهای تولیدی بوده که بعد از اعتراض کارگران به کوچک سازی کارخانه، کارگران معترضی را که از طرف نهادهای امنیتی شهرستان مبارکه بازداشت شده بودند، اکثریت بزرگ کارگران، به عنوان اعضای شورای اسلامی کار انتخاب کردند. در واقع کارگران سندیکای مستقل خودشان را ایجاد نکردند و ترجیح دادند که شورای اسلامی کار مطالبات کارگران را نمایندگی کند. اگر کارگران بخواهند واقعاً دولت را وادار کنند که نسبت به سرنوشت و امنیت شغلی شان مسؤلیت قبول کند، مهم است که بین خودشان بازدارندگی نباشد. شوراهای اسلامی کار به طور کلی نماینده منافع واقعی کارگران نیستند. غالباً در مبارزات کارگری نقش بازدارنده دارند. البته استثناء می تواند باشد. ولی در هر صورت اقدام جمعی، پیگیر و هر چه وسیع تر کارگران است که اهمیت اساسی دارد.

آخرین نکته ای که باید به آن توجه کرد شباهت موقعیت کارگران پلی اکریل و کارگران واحدهای تولیدی دیگر در بخش صنعتی مربوطه است. حتی از بخش صنعت هم فراتر می رود. چون دستمزدهای معوقه بخش خدمات را هم فرا گرفته است. در شرایط رکود تورمی، بخش های بزرگی از طبقه کارگر زیر فشار دستمزدهای معوقه قرار گرفته اند. در این شرایط حمایت و پشتیبانی از اعتراضات و مطالبات کارگران، اصلی ترین و مهم ترین وظیفه مبارزاتی همه تشکل های مستقل کارگری و حامیان جنبش کارگری است. به هر صورتی که امکان دارد از مطالبات کارگران پلی اکریل حمایت کنیم.